



کلاف

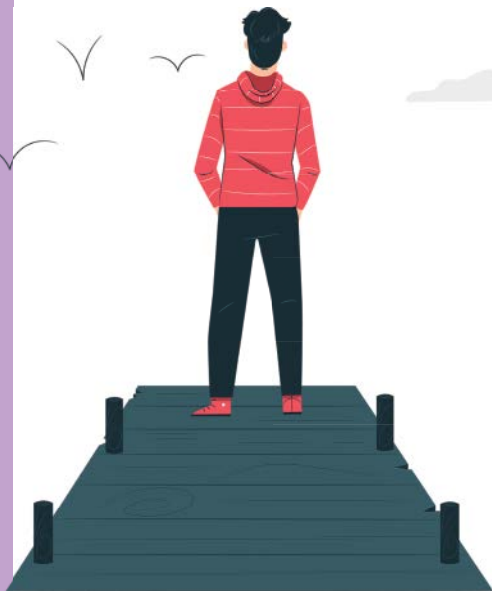
ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳۷ ■ ۲۷ بهمن ۱۴۰۱

نوجوان
کلاف

بارقه امید

این روزها که در اخبار و تیتراهای ریز و درشت ردپایی از زلزله پیدا می‌شود، جدای از هر حرف و حدیثی، حواس من پرت یک حقیقت است و آن، خاصیت عجیب آدمیزاد است. همین که می‌تواند با غم غریبه‌ای به گریه بیفتد و با دیدن رنج خانواده‌ای بغض یقه‌اش را بگیرد. این که ما می‌توانیم برای کسی که خاطره مشترکی با آن نداریم و نه حتی حرف مشترکی برای گفتن، ساعت‌ها غصه بخوریم، از پول و وسایل مان بگذریم و گاه



کیلومترهای طی کنیم تا بلکه بتوانیم مرهمی باشیم و چه چیزی در این بین، از این مهم‌تر است؟! آن لحظه‌ای که تمام خانه‌ات بر سرت آوار شده و برای کوچک‌ترین تقلایی عاجزی، چه فکری می‌تواند به توامیدی برای زنده بودن بدهد جز این که آن بیرون، کسی هست تا نجاتت بدهد و همدردی هست که تسلائی غمت باشد؟!

و به قول عزیزی که می‌گفت: «در هر شری نعمتی هست» و به گمانم این روشن‌ترین وجه و امیدوارکننده‌ترین بخش زلزله است. همین که به ما یادآوری می‌کند انسانیت هنوز زنده است و هر چقدر به انواع و اقسام اسم‌ها و نشان‌ها آلوده شده باشد، همچنان می‌توان روی آن حساب باز کرد و به بودنش دل خوش بود.

رسی ابعاد گوناگون این حادثه تلخ

عزیزان

سطح حوادثی که در مقاطع مختلف تحصیلی درباره ریز و درشت زلزله شنیده می‌رسیم. هر چند بعضی از ما بهتر از دیگران اصول و راهکارهای خودمراقبتی در متما لا شرح و توضیح آن را هم خوب به خاطر داریم. ما نیز به بهانه زلزله‌های فاوت به سراغ زلزله رفته‌ایم و جدای همه بحث‌های فیزیکی، زمین‌شناسی و



از دست دادن



خود کلمه زلزله با از دست دادن عجین شده است. بعد از هر زلزله ما کلی چیز را از دست می‌دهیم. کمترین چیزهایی که از دست می‌دهیم خانه و زندگی است. بعد از هر زلزله، آدم‌های زیادی زندگی‌شان را از دست می‌دهند و برای ادامه زندگی مجبورند به چادر و کانکس و این جور جاها پناه ببرند. یک سری آدم هم هستند که چیزی عجیب و غریب‌تر و مهم‌تر مثل آدم‌های زندگی‌شان را از دست می‌دهند و بعد از این است که زلزله‌ها دردناک‌تری برای یک انسان رخ می‌دهد. اولین و شدیدترین تکان وقتی است که تازه خبر می‌شوند عزیزشان را از دست داده‌اند... دومین و عمیق‌ترین تکان این خبر وقتی است که اولین وعده غذایی بدون آن آدم خورده می‌شود. سومین و دردناک‌ترین لرزش هم برای اولین لیبختی است که فرد می‌زند. این لرزه‌ها و پس لرزه‌ها ادامه دارد تا وقتی پایان زندگی خود این فرد به یک خبر تکان دهنده برای این و آن تبدیل و وجودش می‌شود یک زلزله که هیچ وقت قرار نیست تمام شود. برای از دست دادن و تجربه پس لرزه‌های بعد از آن لزوماً به یک زلزله بزرگ و عمیق نیاز نیست. همین که در زندگی‌ات یک نفر را از دست بدهی برای همه چیز کافی است.



سستی بنیادها

اولین آماري که در مورد هر زلزله گفته می‌شود در مورد درصد تخریب رخ داده در منطقه زلزله آمده است. هر چقدر که بنیادهای یک شهر سست‌تر و ضعیف‌تر باشد این تخریب بیشتر می‌شود. تا جایی که کل یک شهر به یک تل خاک تبدیل می‌شود و شاید از شانس آن مردم از تمام یک شهر یک ارگ باقی بماند و تمام...

سست بنیادی و سستی بنیادها فقط برای ساختارهای شهری نیست. گاهی وقت‌ها بنیاد روابط ما آدم‌ها هم سست و لرزان است. هر چند نمای آن رفاقت و دوستی قشنگ و زیبا هم باشد باز هم از بن و ریشه خراب است و یک زلزله می‌تواند تمام آن را خراب کند. برای همین است که باید از بن و ریشه یک پایه درست و حسابی برای یک رابطه ساخت و بیش از آن که حواس آدم به رنگ و لعاب باشد به بن و اساس دقت کند. آدمی باید خوب دقت کند که بنیاد خودش و طرف روبه‌رویش خوب باشد و ریشه در خاکی داشته باشد که ترو تمیز است.

